

رابطه عبادت و اخلاق

حجة الاسلام محمد حسن رحیمیان

قسمت هفتم

ایمان و عبادت

گفتیم که اخلاق از مقوله عبادت است و عبادت امری است فطری و ملازم با فطرت خداشناسی که با شکوفایی این فطرت در پرتو وحی، شناخت خدا و پرستش او شکل آگاهانه یافته و هر چه ایمان به خدا افزونتر گردد، به موازات آن، عبادت نیز از کیفیت و محتوای عمیق تری برخوردار می شود.

پرستش خدا که لازمه لاینفک شناخت او است، حقیقتی است والا که زیباترین و با شکوهترین حالات انسان است و با اوج احساس ستایشگری و سپاس خاضعانه در پیشگاه خالق هستی و کمال مطلق شکل می گیرد و همین عبادت است که مقصد آفرینش انسان می باشد:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶).
و انس را نیافریدم مگر برای آن که مرا عبادت کنند.

و اگر چه «لیعبدون» به «لیعرفون» نیز تفسیر شده است ولی با بیان فوق و عدم وجود فاصله بین عرفان و عبادت، تفاوتی محسوس بین «لیعبدون» و «لیعرفون» وجود ندارد.

عبادت نمودار ستایش و ثنای خداوندی است که دارای کمال مطلق است و بی نیاز از همه چیز، و تنزیه او است از هر گونه نقص و کاستی. عبادت نشانگر سپاس و شکر خداوندی است که تمام نعمتها و خیرها از او نشأت گرفته است. و ابراز تسلیم و اطاعت محض است در برابر او که بی قید و شرط مطاع است و تنها او است که شایسته فرمان دادن و اطاعت

شدن است. او که در هیچ یک از ویژگیهای شریک و انبازی نداشته و هیچ کس و هیچ چیز جز او کمال مطلق و منزّه از عیب و نقص نیست و غیر از او منعم واقعی نیست و تمام سپاس مخصوص او است. اطاعت و تسلیم محض فقط ویژه او است و تمام اطاعتهای دیگر مانند اطاعت از پیغمبر و امام و ولایت فقیه و پدر و مادر و... باید در طول اطاعت او باشد.

این چنین عبادتی است که لازمه شناخت حق و موجب تقرب به او است و اساس و معیار کمال و فضیلت انسان است. و هر صفت و عملی که او را در راستای این هدف قرار دهد و او را به خداوند نزدیک و نزدیکتر کند، نموداری از عبادت است و انسانی که به آن مقام دست یابد همه هستی خود را از او یافته و با تمام وجود همه چیز خود را در جهت رضای او و تقرب به درگاهش قرار می دهد و بویژه در اطاعت از دستوراتش با تمام توان می کوشد؛ همان دستوراتی که تمام شئون زندگی او را در بر می گیرد. و در این میان برای انجام اعمال ویژه ای که خداوند به عنوان خاص عبادت و نمودار پرستش او، در شکلهای و قالبهای مخصوصی مقرر فرموده است با اهتمام و شوق بیشتری اقدام می کند.

بر این اساس که عبادت و پرستش خدا، عکس العمل و نتیجه لاینفک شناخت و ایمان به او است، عبادت و وظیفه ای است بر عهده انسان نسبت به خالق خویش و نتیجه آن هم تقرب انسان است به درگاه او. با این حال خداوند مهربان از روی تفضل و برای تشویق و ترغیب آن عده از انسانها که به مرتبه بالای شناخت و ایمان دست نیافته اند، برای تمام عبادات، پاداش و اجر مقرر فرموده است تا بدینوسیله آنها را در مسیر سعادت و کمال

واقعی سوق دهد.

بنابراین اموری که به عنوان خاص عبادت مورد نظر است دارای این ویژگیها می باشد:

- خداوند متعال به صورت واجب یا مستحب به آنها امر فرموده است.

- قصد قربت را در آنها شرط اساسی دانسته است و با این قصد است که ثمربخش بوده و انسان را به خدا نزدیک و موجب کمال و خداگونه شدن او می شود.

- خداوند برای تمام آنها اجر و پاداش مقرر فرموده است.

اخلاق و عبادت

با این مقدمات نتیجه می گیریم که تمام محاسن و فضائل اخلاقی در زمره عبادات قرار دارند چرا که:

- خداوند به تمام فضائل اخلاقی امر فرموده و در مقابل، همه رذائل اخلاقی را مورد نهی قرار داده است.

- خداوند ضمن ستودن تمام فضائل اخلاقی برای همه آنها پاداش و ثواب مقرر فرموده است.

- فضائل اخلاقی آنگاه به طور کامل در انسان تحقق می یابند و موجب کمال نفس میشوند که برای خدا و در جهت رضای او اکتساب شوند و بپسند آن که انسان با انگیزه غیر الهی مانند شهرت طلبی و محبوبیت اجتماعی و رسیدن به منافع مادی و دنیوی در حد ناقصی به آنها دست یابد نتیجه مطلوب و نهائی را برای کمال نفسانی و معنوی انسان نداشته و اگر هم ارزشی برای آن تصور شود، برد و شعاع آن در همان محدوده تنگ مادی است و کمالی نهائی برای انسان محسوب نمی شود.

آیات و روایاتی که در زمینه های فوق الذکر در مورد اخلاق و فضائل و رذائل آن وارد شده است بی شمار است که با بررسی یکایک فضائل و رذائل اخلاقی و آیات و روایات مربوط به هر یک، مطلب روشن تر می شود و در اینجا به طور کلی و فقط به عنوان نمونه، دو مورد از روایات در این باره را متذکر می شویم:

امام صادق علیه السلام در روایتی ضمن برشمردن ویژگیها و ابعاد مختلف اخلاق خوب، تصریح می فرماید که: حسن خلق وسیله قرب و نزدیکی انسان به خداست. و مسلم است که چیزی جز عبادت نمی تواند انسان را به خدا نزدیک کند:

«الخلق الحسن جمال فی الدنیا و تزهده فی الآخرة و به کمال الذین و القربة الی الله» (مستدرک- ج ۲/ ۸۳)

خلق نیکو در دنیا مایه جمال و زیبایی است. در جامعه است. و در آخرت موجب دوری از عذاب و وسیله حسن خلق است که دین کامل می شود و انسان به خداوند نزدیک می گردد.

و در روایتی دیگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه چنین فرموده است:

«ان الله جعل محاسن الأخلاق و صلة بینة و بین عبادته»
(مستدرک ج ۲/ ۲۸۳)

همانا خداوند «محاسن اخلاق» را «رابطه» بین خود و بندگانش قرار داده است.

کلمه «جعل» به معنی فرار دادن، نسبت به خداوند متعال هم به معنی جعل تکوینی میتواند باشد و هم جعل تشریحی. تکوینی به این معنی که خداوند محاسن اخلاق را به طور فطری در نهاد انسان برای ایجاد رابطه بین خود و انسانها قرار داده است و هر انسانی با برخورداری از گرایش فطری به فضائل اخلاقی و تخلقی به آنها احساس پیوند با خداوند داشته و از این دریچه است که به سوی خدا صعود می کند و به درگاهش نزدیک می گردد.

و تشریحی به این معنی که خداوند با امر به محاسن اخلاقی، تخلقی به آن را که همان اطاعت از پروردگار است وسیله ارتباط بین انسان و خود قرار داده است که با هماهنگی تکوین و تشریح الهی. و با توجه به این که گفتیم عبادت به طور کلی امری است فطری. هر دو معنی صادق است و نتیجه، آن که اخلاقی و محاسن اخلاقی از دیدگاه اسلام از مقوله عبادت می باشد.

آمیختگی اخلاق با عبادات (به معنی اخص)

ارتباط بین اخلاق و عبادت را از آمیختگی محاسن اخلاقی با عباداتی که در اشکالی خاص به صورت واجب یا مستحب تشریح گردیده است نیز می توان دریافت و به تعبیر دیگر با بررسی نقش محاسن اخلاقی در تحقق کامل عباداتی مانند نماز، روزه، حج، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و... از یک سو و نقش این عبادات در تربیت اخلاقی و شکوفائی و ایجاد فضائل اخلاقی در انسان از سوی دیگر، می توانیم به همسوی بودن این دو عنوان و یگانگی هدف هر دو، پی ببریم.

با این بررسی بخوبی آشکار می شود که هیچ یک از عبادات بدون ایفای نقش در تربیت اخلاقی انسان و بدون همراه شدن با محاسن اخلاقی، هرگز از محتوای واقعی پرستش برخوردار نمی شوند و بهیچ وجه مقبول درگاه الهی واقع نگردیده و موجب تقرب واقعی انسان به پیشگاه احدیتش نمی شوند. و این خود دلیلی است بر ماهیت عبادی اخلاق و نقش آن در تقرب انسان به خداوند متعال همانگونه که در روایت سابق الذکر به آن تصریح گردیده است.



و بهمین گونه روشن می شود که دست یافتن به کمال فضائل اخلاقی بدون ایمان به خدا و جز از طریق پرستش او امکان پذیر نیست و در پرتو تقریب جستن به او است که تخلق به اخلاق الهی شکل می گیرد و در حقیقت چون عبادت همپای ایمان است و هر چه ایمان افزون تر شود عبادت نیز عمیق تر می شود و اخلاق نیز از مقوله عبادت است، پس اخلاق تابعی است ملازم با ایمان که هر چه ایمان کاملتر شود، اخلاق نیز کاملتر می شود و از سوی دیگر هر چه عبادت افزون تر و خالص تر شود و فضائل اخلاقی در انسان بیشتر متجلی شود، تقریب به حق و ایمان به او بیشتر می گردد و چنین است که از پیغمبر اکرم اینگونه نقل شده که فرمود: «اکمل الناس ایماناً احسنهم اخلاقاً».

و در همین حال ایمان به خداوند که با محبت و دلباختن به خدا همراه است موجب می شود که انسان به او امر و نواهی خدا سرسپرده و به تمام فضائل اخلاقی که مورد امر و رضای محبوب است آراسته و از تمام رذائل اخلاقی که مبعوض و مورد نهی او است وظلمت است و متضاد با محبت او پیراسته گردد که در زمینه نقش ایمان در تحقق فضائل اخلاقی قبلاً نیز سخن گفتیم.

نقش عبادات در تربیت اخلاقی

آنچه در اینجا مورد توجه قرار می دهیم این است که با بررسی نقش عبادات به معنای خاص - در تربیت اخلاقی انسان ونگاهی گذرا بر آمیختگی و ارتباط تنگاتنگ بین محاسن اخلاقی و عبادات که ضمه ماهیت عبادی اخلاقی را روشن تر می کند به بهترین راه عملی، که اسلام برای تکامل معنوی و اخلاقی انسان تنظیم کرده است دست یابیم ولی قبل از ورود در اصل مطلب باید دو نکته مهم دیگر را در باره ضرورت و فایده این بحث متذکر شویم:

۱ - علم اخلاق در هر مکتبی بر مبنای جهان بینی و معیارهای آن مکتب شکل گرفته و تدوین می شود و اختلاف و تفاوت در همین مبانی است که موجب اختلاف و تفاوت مکاتب اخلاقی می شود. اسلام نیز به عنوان کاملترین آئین الهی که اخلاقی را یکی از اهداف مهم خود قرار داده است بر اساس جهان بینی و اصول استوار خود، درباره ماهیت اخلاقی، معیار شناخت فضائل و رذائل، مسائل و جزئیات اخلاق و بالاخره روش تربیت اخلاقی سخن آخر را با ارائه کاملترین مکتب اخلاقی گفته و هیچ جایی خالی که موجب نیاز به استفاده از سایر مکاتب شود، باقی نگذاشته است.

با این حال عمده کتابهایی که تاکنون با هدف بیان اخلاق اسلامی تألیف شده است از جهت شیوه نگارش و تألیف و حتی از جهت محتوی

متأثر از مکاتب غیر اسلامی بویژه یونانی است. و بخاطر همین نکته است که مثلاً صبر را در قرآن در صدر جدول مسائل اخلاقی و حتی قبل از نماز می یابیم ولی در «جامع السعادات» در اواخر آخرین جلد آن! و این ناهماهنگی نتیجه همان تفاوت و اختلافی است که بین مبانی مکتب اخلاقی اسلام با مکتب اخلاقی یونانی وجود دارد.

بنابراین با توجه به مطالب گذشته به نظر می رسد که اخلاق اسلامی از نظر اصولی بر مبنای معارف و میانی اعتقادی اسلام پایه گذاری شده و ساختار عملی و روش تربیتی آن، به عنوان یک امر عبادی همساز و آمیخته با احکام عملی اسلام بویژه اعمال عبادی تنظیم شده است. لذا برای تدوین اخلاق اسلامی گذشته از ریشه یابی آن در اصولی اعتقادی و پرستش خدا - که قبلاً مورد بحث قرار گرفت - در ادامه بحث برای شناخت مسائل اخلاقی و روشهای تربیتی آن از نظر اسلام باید به بررسی عبادات مهم اسلامی بپردازیم.

۲ - در سایر مکاتب اخلاقی حتی بر فرض تشخیص و بیان دقیق مسائل اخلاقی و ارائه بهترین و کاملترین مطالب اخلاقی هیچکدام از پشتوانه نیرومندی که تحقق عینی تئوریهای ارائه شده را به صورت کامل تضمین کند، برخوردار نیستند؛ در حالی که اخلاق در اسلام گذشته از پشتوانه و پایگاه بسیار نیرومند اعتقاد و ایمان به حق، در مقام عمل نیز با آمیختن کامل اخلاق در اعمال عبادی، تحقق صد درصد اخلاق را در انسان تضمین کرده است. چرا که انسان مسلمان حداقل با التزام قطعی به انجام تمام عبادات واجب و ممارست عملی و مداوم بر این عبادات و تکرار آنها در طول زندگی و به طور شبانه روزی، و اخلاق و فضائل اخلاقی را که ملازم و آمیخته با آنها است همواره در متن زندگی خود قرار داده، و به شیوه ای عملی و کاملاً ممکن و میسر درون و برون خود را به فضائل اخلاقی آراسته و از جمیع رذائل دور می دارد.

بنابراین با طرح مسائل اخلاقی در راستای عبادات به چند هدف مهم دست می یابیم: یکی شناخت عمیق تر عبادات به عنوان مهمترین عامل و وسیله کمال و تقریب انسان به خداوند. و دیگر توجه خاص به ابعاد اخلاقی و نقش آنها در تربیت اخلاقی انسان. و سوم این که ضمن بیان مسائل اخلاقی متناسب با هر یک از عبادات و منطبق با روندی که اسلام در بیان عبادات و تأکید بر آنها اتخاذ فرموده است، طرح نویسی را - که تاکنون در تألیف کتب اخلاقی سابقه نداشته - برای بیان مسائل و سیستم اخلاقی اسلام ارائه می دهیم.

ادامه دارد